

ارائه الگوها و روش‌های مطلوب تبدیل شهر تهران به شهر آموزش دهنده (با تاکید بر اصول و تجارب جهانی)

محمد جواد مهدوی نژاد* - استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رضا بمانیان - دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
معصومه امینی - کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Presentation of the models and methods of transformation of Tehran to Educating City (with the emphasis on international basement and pragmatism program)

Today more than ever the city, large or small, offers countless opportunities for education. For the first time the theory of Educating City released as international convention in 2004. Educating cities must offer all inhabitants, as prerequisites, growing objective for the community, education in the values and practices of a democratic citizenship: respect, tolerance, participation, responsibility. Educating cities must interest public consensus, programmers', heritage and services. The main scope of this paper is about determining the design principles of educating cities in Iran. The most important goal of this study is presentation of a model which turns Tehran to an educating city.

Keywords: educating cities, citizenship, Educating City theory, Tehran

چکیده

با مطرح شدن نظریه شهر آموزش دهنده، در دهه اول قرن بیست و یکم که بسیار مورد استقبال عموم صاحب نظران قرار گرفت و در سال ۲۰۰۴ میلادی به عنوان یک کنوانسیون بین المللی مطرح شد، این فرصت پیش آمد تا از امکانات موجود در شهر نیز برای آموزش شهروندان استفاده شود. در حقیقت، شهر آموزش دهنده، شهری است با هویت خاص خود، که می تواند بخشی از هویت یک ملت را تشکیل دهد. از این رو هدف اصلی این تحقیق، بررسی کردن ابعاد کلی و خصوصیات شهرهای آموزش دهنده در سراسر دنیا است تا بتوان با الهام از معیارها و اصول مطرح شده، معیارها و اصولی برای تبدیل شهر تهران به شهر آموزش دهنده تدوین کرد. سوالات اصلی پژوهش عبارتند از: چگونه آموزش را می توان با شیوه های غیرمستقیم به مخاطبان و افرادی که در یک فضای شهری حاضر می شوند، انتقال داد؟ و اصول طراحی که برای ایجاد شهرهای آموزش دهنده لازم هستند، کدامند؟ روش تحقیق مورد نظر به کار رفته در این پژوهش روش تحلیل محتواست، که در آن تجربه های صورت گرفته در کشورهای مختلف در حوزه طراحی و تدوین محیط های آموزش دهنده، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و با استفاده از تکنیک های توصیفی - تحلیلی نتایج را استخراج نموده، و با بهره گیری از تکنیک های مطالعه تطبیقی برای شرایط و نیازهای جامعه ایرانی باز طراحی می شود.

واژگان کلیدی: شهرهای آموزش دهنده، شهروند، آموزش شهروندان، نظریه شهر آموزش دهنده.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۳۶۰۹۷۷، رایانامه: Mahdavinejad@modares.ac.ir

مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد معصومه امینی به راهنمایی دکتر محمد جواد مهدوی نژاد و مشاوره دکتر محمد رضا بمانیان در دانشگاه تربیت مدرس می باشد. بدین وسیله از حمایت های اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی معاونت اجتماعی و امور فرهنگی شهرداری تهران قدر دانی می شود.

مقدمه

المهد الی اللحد» یعنی در همه عمر، از گهواره تا گور، در جستجو و طلب علم باشید. در شعری از فردوسی حکیم و شاعر بزرگ ایرانی چنین آمده است که:

زمانی میاسای ز آموختن * اگر جان همی خواهی افروختن.
از این احادیث و اشعار گرانمایه، می‌توان دریافت که مقوله آموزش منحصر به افراد، زمان یا مکان خاصی نیست و این امر نیز محدود به مدرسه یا تنها مکان‌های آموزشی نیست و برای پیش‌برد اهداف جامعه، آموزش باید در هر مکان و هر زمان انجام گیرد.

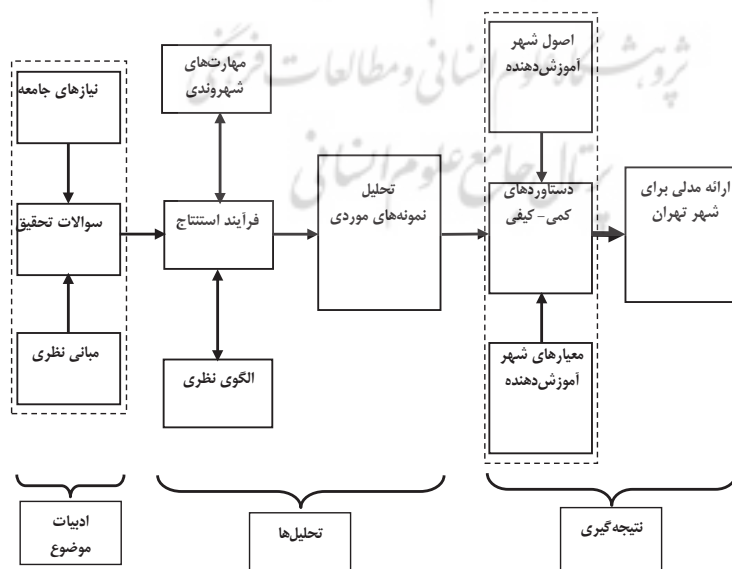
در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی مهارت‌های شهروندی مطرح شده توسط متخصصان این امر و با مروری بر دویست تجربه صورت گرفته در سطح جهان، در زمینه شهر آموزش‌دهنده، به هدف اصلی تحقیق که عبارتست از ارائه مدلی برای تبدیل شهر تهران به یک شهر آموزش‌دهنده دست پیدا کرد.

۲- آموزش مستقیم و آموزش غیرمستقیم

۱-۲ تعریف آموزش مستقیم و غیرمستقیم

در جامعه‌ای که سیستم تعلیم و تربیت آن بدون بحث و انتقاد، مسائل آموزش داده شده را می‌پذیرد و بدون تفکر منعکس می‌کند، خطر پدید آمدن انسان‌هایی فاقد

به‌هر اندازه که بر میزان دانش بشری افزوده می‌شود، به همان اندازه نیز نیاز به آموزش در میان افراد جامعه بشری بالاتر می‌رود. آموزش مفهومی است که از گذشته‌های دور با بشر و جامعه بشری همراه بوده است. هر آن‌چه بیشتر زمان می‌گذرد و هر اندازه بیشتر انسان با مفاهیم جدید آشنا می‌شود، جایگاه آموزش بیشتر نمایان می‌گردد. در دنیای معاصر از آموزش و یادگیری به‌عنوان یک رویداد مهم فرهنگی یاد می‌شود، آموزش و یادگیری در بستری از فرهنگ و فعالیت فرهنگی شکل می‌گیرد و طبیعتاً نتیجه‌ای که از این امر حاصل می‌شود نیز یک امر فرهنگی خواهد بود. در دنیای معاصر همه شئون حیات بشر با علم وابستگی پیدا کرده؛ به‌طوری که، هیچ‌شانی از شئون حیات بشر را جز با کلید علم نمی‌توان انجام داد و به معنای کلی، آموزش تبدیل به یکی از بخش‌های اصلی زندگی انسان معاصر شده است. پرورش انسان‌ها در میان ائمه و پیشوایان دین و بزرگان این مرز و بوم نیز امری سفارش شده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» یعنی جستجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰)؛ و در جایی دیگر می‌فرماید: «اطلبوا العلم من



نمودار ۱. نمودار فرآیند تحقیق، ماخذ: نگارندگان.

نیروی استدلال و تفکر در جامعه افزایش می‌یابد. امروزه تدریس، بیشتر به معنای انتقال معلومات از ذهن معلم به شاگرد است و ذهن فراگیران انباشته از مطالبی می‌شود که با نیاز و فکر آن‌ها متناسب نیست و زمینه رکود علمی و دل‌زدگی از فعالیت‌های علمی را فراهم می‌سازد. به‌طور کلی، در تدریس از دو الگوی کلی برای انتقال مطالب به دانش‌آموزان استفاده می‌شود:

۱- روش سخنرانی یا روش مستقیم، ۲- روش مشارکتی یا روش غیرمستقیم.

روش سخنرانی و روش مشارکت دانشجو در امر یادگیری از روش‌های رایج در آموزش می‌باشند. برخی از تحقیقات نشان داده که حدود ۸۰ درصد اطلاعات ارائه شده، توسط روش مرسوم سخنرانی که در اکثر دانشگاه‌های کشور استفاده می‌شود، در عرض ۸ هفته فراموش می‌شود. اگرچه یادگیری به‌روش سخنرانی برای همگان در برهه‌هایی از زمان اجتناب‌ناپذیر است، اما در این روش به دانشجو فرصت تفکر که ضرورت یادگیری است، داده نمی‌شود (زرشناس، مومنی دانایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۵). ادانل، ریو و اسمیت (۲۰۰۷) از آموزش مستقیم تعریف زیر را به‌دست داده‌اند: یک شکل نظام‌مند آموزش، که برای ایجاد تسلط در دانش‌آموزان، در ارتباط با دانش و مهارت‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مویجس و رینالدز (۲۰۰۲) اثربخش‌ترین راهبرد آموزشی را آموزش مستقیم می‌دانند. آن‌ها برای آموزش مستقیم ویژگی‌های زیر را برشمرده‌اند:

- ۱- معلم به‌طور فعال و مستقیم به همه دانش‌آموزان کلاس آموزش می‌دهد.
- ۲- درس به خوبی سازمان‌دهی می‌شود هدف‌های درس به‌روشنی بیان می‌شوند، موضوع‌های اصلی مورد تاکید قرار می‌گیرند و نکات مهم در پایان درس خلاصه می‌شوند.
- ۳- موضوع‌های درسی در گام‌های کوچکی ارائه می‌شوند به‌گونه‌ای که هر موضوع پیش از تدریس موضوع بعدی به‌وسیله دانش‌آموزان به‌خوبی فهمیده شود.
- ۴- مهارت‌های سطح پایین و مطالب آسان سریع آموزش داده می‌شوند، تا برای هدف‌های سطح بالاتر و تفکر و

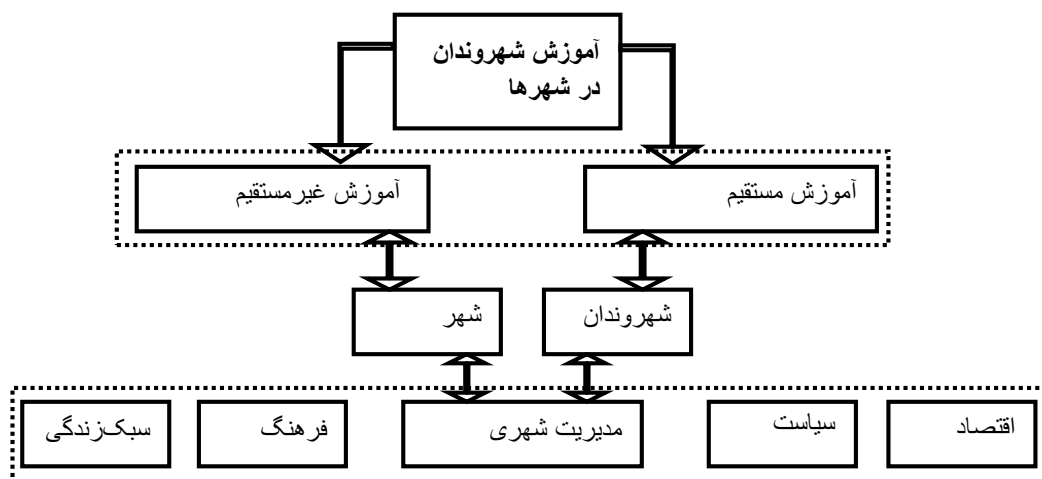
حل مسئله، وقت آموزشی بیشتری در اختیار معلم باشد. ۵- معلم در آغاز درس‌های تازه، از پیش‌سازمان دهنده استفاده می‌کند.

یکی از ایرادهای وارده به این روش این است که در این روش آموزشی دانش‌آموزان و دانش‌جویان فعال نیستند، حوصله‌شان سر می‌رود، قدرت خلاقیت‌شان پرورش نمی‌یابد و صرفاً به صورت گیرنده اطلاعات درمی‌آیند. در مجموع این روش برای آموزش پاره‌ای از موارد مفید دانسته شده و برای بسیاری از موارد آموزشی روشی غیر موثر است.

یادگیری مشارکتی به‌روشی گفته می‌شود، که در آن یادگیرندگان، در گروه‌های کوچک باهم کار می‌کنند و برای دستاوردهای جمعی‌شان مورد تقویت قرار می‌گیرند. یادگیری مشارکتی پیشرفت یادگیرندگان را در تمام پایه‌های تحصیلی و همه تکالیف یادگیری از مهارت‌های اساسی گرفته تا حل مسئله تأمین می‌کند. در عین حال که، روش یادگیری مشارکتی دارای امتیازهای فراوانی است، اگر در استفاده از آن دقت به‌کار بسته نشود، ممکن است نتایج رضایت‌بخشی به‌بار نیاورد. استفاده موفقیت‌آمیز از این روش مستلزم این است که معلم در این کار مهارت کافی داشته باشد (سیف، ۱۳۸۷، ص ۵۴۸-۵۰۳).

یکی از مهم‌ترین کاربست‌های الگوی تدریس یادگیری مشاوره‌ای یا غیرمستقیم زمانی است که معلم تلاش می‌کند، دانش‌آموزان را به هر قیمتی شده از طریق دادن تمرین و عرضه مطالب درسی به حرکت در آورد. فرهنگ ایرانی بیش از هر چیز بر آموزش‌های غیرمستقیم شهروندان همراه با قرارگیری آنان در فضاهای شهری واقعی تاکید می‌کند (Mahdavinejad, Moradchelleh, ۲۰۱۱: ۶۷۷).

از سوی دیگر، خلاقیت زمانی در آموزش نهادینه می‌شود که بتوان آموزش را همراه با فرآیند انجام عمل به مخاطب انتقال داد (مه‌دوی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۸). بنابراین، آموزش باید مبتنی بر مفاهیم روابط انسانی باشد تا بر مبنای موضوعات درسی. در فضاهای شهری نیز به‌عنوان یکی از محیط‌های آموزش‌دهنده، شهروندان می‌توانند هم‌زمان تحت تأثیر هر دو مدل آموزش مستقیم و غیرمستقیم قرار



نمودار ۲. آموزش مستقیم و غیرمستقیم شهروندان، ماخذ: نگارندگان.

خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و گروه دوستان یا جامعه به مراتب دارای اهمیت بیشتری هستند. برای یک کودک خانواده مهم‌ترین گروه نخستین است، اما وقتی کودک وارد مدرسه می‌شود، معلم برای او به‌عنوان فردی که باید از او تقلید کرد اهمیت می‌یابد. در همین دوران گروه هم‌سالان نیز به گروه مرجع تبدیل می‌شوند.

خانواده: خانواده اولین گروه اجتماعی است که فرد بدان ملحق می‌شود و اولین کارگزار جامعه‌پذیری در زندگی کودک است. کودک زبان را در خانواده می‌آموزد، ارزش‌ها و قواعد اخلاقی را یاد گرفته و روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزد.

مدرسه: مدرسه، آیینه ارزش‌های حاکم بر جامعه و به تعبیری منعکس کننده ساختار ارزش‌های آن است. مطالعات بی‌شماری بر اهمیت آموزش و پرورش در تعیین نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی تاکید نموده‌اند. برای مثال، کلمن (۱۹۶۵) معتقد است که آموزش و پرورش رسمی ابزار اصلی تغییر نگرش‌ها و دگرگونی‌های ساختارهای اجتماعی و تعیین کننده الگوهای سیاسی جدید است.

گروه هم‌سالان: از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، گروه نقش مهمی در رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان و ارائه الگو به آن‌ها دارد. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها، گروه هم‌سالان است. به اعتقاد اریکسون در دوره نوجوانی فرد با یک بحران روانی- اجتماعی روبه‌رو می‌شود زیرا این

بگیرند و تمامی مسائل مربوط به زندگی شهروندی را از طریق این روش‌های آموزشی فرا می‌گیرند.

۲-۲ انواع محیط‌های آموزشی محیط، بستری برای شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های رفتاری است. به بیانی دیگر بسیاری از عواطف، عادات، سلاقی و حتی طرز نگرش‌ها و نشست و برخاست‌ها، به گونه‌های شگرف از محیط تأثیر می‌پذیرند. به همین خاطر است که بسیاری از صاحب‌نظران، محیط را دانشگاهی نامیده‌اند که هر فرد با توجه به زمینه‌ها و استعدادهای خویش می‌تواند از آن بیاموزد و در معرض تأثیرات آن قرار گیرد، دانشگاهی که هیچ‌گاه فرد از آن فارغ‌التحصیل نمی‌شود. بنابراین توجه به محیط و تلاش برای شناخت آن، می‌تواند زمینه‌ساز فهم ریشه‌ای بسیاری از رفتارها و هنجارهایی باشد که در جامعه شکل می‌گیرد. اگر یادگیری را امری اجتماعی بدانیم آنگاه باید بپذیریم که تحقق این امر در خلاء امکان پذیر نیست، بنابراین نمی‌توانیم یادگیری را فقط برآیند آموزش‌های معمول در مدرسه بدانیم، بلکه چه بخواهیم چه نخواهیم، یادگیری فقط در انحصار مدرسه نیست و رقبای دیگری در این میان مدعی سهمی برای خویش می‌باشند.

چنین به نظر می‌رسد که منابع آموزش‌دهنده نگرش‌های یک فرد، بسیار متعدد می‌باشند. از میان این عوامل

دوران، دوره انتقال از خانواده به اجتماع است.

وسایل ارتباط جمعی: رادیو، تلویزیون، روزنامه و اینترنت چنان پوشش کاملی از امور سیاسی و نگرش‌های مربوط به آن‌ها فراهم می‌سازند که به نظر می‌رسد گریز از تأثیر آن‌ها غیرممکن باشد. قدر مسلم این رسانه‌ها با چنان قدرتی که دنیا را به یک دهکده جهانی تبدیل کرده‌اند، می‌توانند در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای شهروندی تأثیر زیادی داشته باشند (شارع‌پور، ۱۳۸۳، ص ۳۱۴-۲۹۹). در واقع یادگیری و آموزش تنها در انحصار مدارس باقی نمی‌ماند و سایر عوامل پیرامونی نیز در آموزش فرد دخیل می‌باشند. در یک تقسیم‌بندی کلی چهار محیط آموزشی مختلف را می‌توان شناخت که عبارتند از: خانواده، مدرسه، جامعه، رسانه‌های گروهی. که هر یک نقشی در آموزش فرهنگ‌ها به فرد بازی می‌کنند.

محتوا، مهارت یا فرآیند محور سازمان‌دهی برنامه درسی قرار می‌گیرد و از رشته‌ها و مواد درسی مختلف برای توضیح و تبیین آن بهره می‌جویند. در این رویکرد، استقلال رشته‌ها از بین می‌رود و مرزبندی‌های رشته‌ای به‌طور موقت کنار گذاشته می‌شود. این رویکرد با عناوین مختلف و شکل‌های متعدد بیان شده است. از جمله تحت عنوان تلفیق محتوا و تلفیق مهارت‌ها و فرآیندها، رویکرد شبکه‌ای، برنامه درسی هم‌بستگی، برنامه درسی هسته اصلی و دیگر نام‌ها آمده است (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۸). در عصر جدید عوامل چندی باعث ظهور و بروز رویکردهای تلفیقی در میان علوم و فنون جدید شدند که باعث شد انسان‌ها نیاز به آموزش‌هایی همه‌جانبه داشته باشند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



نمودار ۳. محیط‌های چهارگانه آموزشی، ماخذ: نگارندگان.

۲-۳ انباشتگی در آموزش (آموزش تلفیقی)

فرآیند آموزش در ادوار پیشین به‌طور خاص به انتقال مجموعه‌ای از علوم و ارتقا نظام آموزشی موجود و اعتبار بخشیدن به ارزش‌های حاکم بر رفتارهای فرد یا جامعه محدود می‌شد، و زنجیره‌ای خاص از روش‌ها و ارزش‌های آموزشی را شامل می‌شد. اما در دنیای مدرن امروزی با توجه به نیازهای انسان‌ها و گسترده شدن دامنه ارتباطات و فعالیت‌های افراد، شیوه‌های آموزش نیز توسعه یافته و رویکردهای نوینی جایگزین روش‌های قبلی شده است، که در این روش‌ها اهمیت اصلی به شخص انسان داده می‌شود. آشنایی با این روش‌ها و طبقه‌بندی‌های جدید برای رسیدن به مرزهای نوین و ارزش‌های خاص به‌ویژه در عرصه علوم مرتبط با انسان‌ها و ارزش‌های انسانی امری ضروری می‌باشد. در برنامه درسی میان رشته‌ای؛ یک مفهوم، مضمون،

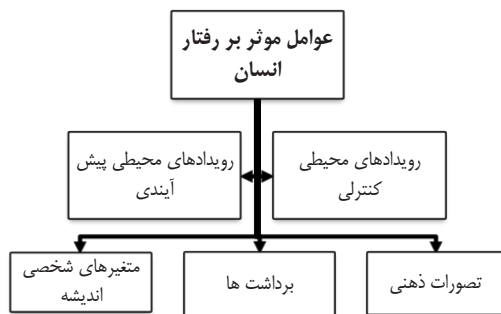
۱) انسان و پیچیدگی‌های آن و همچنین طبیعت و ابعاد مختلف آن و تعدد و تکثر رهیافت‌ها.

۲) رشد بیش از حد و روز افزون مرزها در علوم.

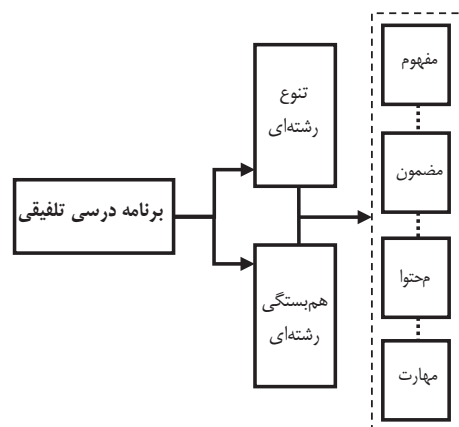
۳) تولید علوم مطلوب، که می‌توان آن‌ها را در سه دسته جریانات مسیحی، جریانات پست مدرن و جریانات اسلامی خلاصه کرد.

۴) دریافت این حقیقت که نظام‌های محتوایی رشته‌ها، در واقع نوعی طبقه‌بندی عملی، برای دانش و موضوعات تحقیقی - پژوهشی وابسته به آن رشته به‌شمار می‌رفته و الزاماً به معنای مبنایی برای سازمان‌دهی آموزشی نمی‌تواند مفید و ضروری واقع شود.

در مجموع رویکردهای تلفیقی در پی این هستند که با ارائه سازماندهی خاصی از آموزش، فرصت‌هایی را برای فراگیران فراهم سازند تا با اصول، مبادی، روش‌ها و موضوعات متنوع در قلمروهای متعدد آشنا شوند (پیغامی، ۱۳۹۰). برنامه درسی تلفیقی روحیه گروهی و کار مشارکتی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد و فراگیران به‌طور فعال درگیر برنامه‌ریزی برای یادگیری می‌شوند. این برنامه درسی باعث حضور بیشتر افراد در کلاس درس، انجام تکلیف به‌طور مرتب و نگرش بهتر نسبت به آموزش‌گاه می‌شود. این روش به‌طور عام بوده و برای تمام دوره‌های تحصیلی کاربرد دارد.



نمودار ۵. عوامل موثر در یادگیری اجتماعی، ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۴. برنامه درسی تلفیقی، ماخذ: نگارندگان.

هم متغیرهای واسطه‌ای ذهنی (متغیرهای خود تحمیلی یا خود ساخته) و هم متغیرهای پیامدی محیطی. لذا، روان‌شناسان پیرو این نظریه در بررسی عوامل موثر بر رفتار، نه تنها به تحلیل رویدادهای محیطی پیش‌آیندی (که برانگیزنده رفتار هستند) و رویدادهای محیطی پیامدی (که در کنترل رفتار دخیلند) می‌پردازند، بلکه آن‌ها طبقه دیگری از عوامل تعیین کننده رفتار یعنی متغیرهای شخصی اندیشه‌ها، برداشت‌ها و تصورات ذهنی فرد را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. این متغیرهای شخصی، محصول تاریخچه یادگیری فرد هستند که بر روشی که از طریق آن شرایط محیطی رفتار فرد را تعیین می‌کند تأثیر می‌گذارند (سیف، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲-۳۱۱). مفهوم یادگیری، در نظریه یادگیری اجتماعی به بخش‌های عمیق‌تری از جامعه توسعه می‌یابد.

۲-۳ مهارت‌های شهروندی

اکثر مباحثه‌های صورت گرفته در عصر معاصر، پیرامون مسأله شهروندی، به‌نوعی وابسته به تعریف تی. اچ مارشال (۱۹۵۰) از شهروندی است. وی شهروندی را وضعیتی معرفی می‌کند؛ که در آن فرد عضویت کامل در جامعه داشته باشد. در این تعریف جایگاه مردم مستقل از ارزش نسبی آن‌ها در کمک به فرآیندهای اقتصادی است. در نتیجه، اگرچه شهروندی مفهومی غیر اقتصادی است اما به‌طور مستقیم بر ساختار اجتماعی یک جامعه معین تأثیر می‌گذارد (گارسیا، ۱۹۹۶، ص ۹). یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات

۳- یادگیری اجتماعی

۱-۳ مفهوم یادگیری اجتماعی

مفهوم یادگیری را می‌توان به صورت‌های مختلف تعریف کرد: کسب دانش و اطلاعات، عادت‌های مختلف و مهارت‌های متنوع و راه‌های گوناگون حل کردن مسائل. هم‌چنین می‌توان یادگیری را به‌عنوان فراگیری رفتارها و اعمال مفید و پسندیده و حتی به‌عنوان کسب رفتارها و اعمال مضر و ناپسند تعریف کرد. معروف‌ترین تعریف یادگیری به‌قرار زیر است: یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری، که حاصل تجربه است گفته می‌شود و نمی‌توان آن‌را به حالت‌های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا مصرف داروها پدید می‌آید نسبت داد (سیف، ۱۳۸۱، ص ۲۸). یکی از نظریه‌های معروف رفتارگرایی شناختی، نظریه یادگیری اجتماعی است که در تدوین آن آلبرت بندورا بیش از دیگران سهم داشته است. بندورا (۱۹۹۷، ص ۱۲-۱۱) درباره عوامل کنترل کننده رفتار انسان گفته است: از دیدگاه یادگیری اجتماعی، مردم نه به‌وسیله نیروهای درونی رانده می‌شوند، نه محرک‌های محیطی آن‌ها را به‌عمل سوق می‌دهد. بلکه کارکردهای روان‌شناختی بر حسب یک تعامل دوجانبه بین شخص و عوامل تعیین کننده محیطی تبیین می‌شوند.

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، هم متغیرهای پیش‌آیندی محیطی در ایجاد و نگهداری رفتار موثرند

عمدی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعی یعنی حالتی که زندگی به صورت منزوی، فقیرانه و حیوانی جریان دارد اجتناب ورزند. از این رو شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن، ارتقا رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (عسکریان، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

با توجه به این تعریف برای داشتن شهری پیش‌رفته با شهروندانی آگاه و کارا در این مسیر باید آموزش‌هایی برای کسب مهارت‌ها و دانش‌های لازم به آن‌ها داده شود. در ابعاد آموزش شهروندی، بعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. بعد سیاسی، معطوف به ایجاد احساس مسئولیت در فراگیرندگان نسبت به حفظ منافع جامعه یا عموم مردم است. بعد اجتماعی، معطوف به ایجاد تحکیم روابط متقابل بین اعضای یک جامعه است. بعد فرهنگی، معطوف به آگاه‌سازی فراگیرنده به ارزش‌های فرهنگی است که وجه تمایز قوم او را از اقوام دیگر فراهم می‌آورد (وزیری، جهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸).

مهارت‌های شهروندی بخش وسیعی از مهارت‌های مورد نیاز شهروندان برای زندگی امروزی را شامل می‌شود. با توجه به حضور چشم‌گیر افراد در شهرها، برای رسیدن به یک توسعه پایدار متعادل در در یک شهر پایدار، حضور فعال شهروندان در فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، یکی از نکات بسیار کلیدی در این امر می‌باشد (Mahdavinejad, Amini, ۲۰۱۱: ۴۰۶-۴۰۷).

ارتباط میان مهارت‌های شهروندی و آموزش را می‌توان در نظرات بیان شده پیرامون فلسفه تربیتی ملاحظه کرد. به نظر افلاطون شهر زیبا و نیک تنها بر بنیاد تربیت پی افکنده می‌شود (قائدی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰). بسیاری از نیازهای امروزمین شهروندان برای زندگی در شهرهای جدید حاصل پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات است، که از آن با عنوان شهروند الکترونیک یاد می‌شود (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۷۲). در نتیجه توسعه هر جامعه در تمامی ابعاد خود اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند حضور و مشارکت همه جانبه شهروندان آن جامعه دارد. از این رو، می‌توان گفت که

آینده شهرها توسط شهروندان آن ساخته می‌شود و برای پیشرفت در عرصه‌های فوق و ساختن شهری آرمانی، نیاز به شهروندانی است که بتوانند در این مسیر آگاهانه قدم بگذارند. در نتیجه بحث پیرامون آموزش مهارت‌ها و فرهنگ شهروندی برای داشتن جامعه‌ای پیشرفته امری ضروری و حیاتی تلقی می‌شود. به عبارتی دیگر، عامل مهمی که می‌تواند یک جامعه را به پیش برده و آن را بسازد آموزش و رشد مهارت‌های شهروندی برای قرار گرفتن در متن جامعه است. در حقیقت، باید حس شهروندی را در میان افراد جامعه گسترش داد و این امر مستلزم این است که فرد به نوعی از حقوق، وظایف و منافع خود در جامعه آگاه شود.

۴- بیان مسئله و روش تحقیق

۴-۱ بیان مسئله

اهمیت یادگیری اجتماعی در پیش‌برد اهداف فرهنگی جامعه، و نقش اصلی جامعه عنوان یکی از محیط‌های اصلی آموزشی، یکی از مسائل مهمی است که همواره مورد توجه مسئولان مدیریتی یک شهر و حتی یک کشور قرار گرفته است. تئوری شهر آموزش‌دهنده در دهه اول قرن بیست‌ویکم مورد استقبال عموم صاحب‌نظران قرار گرفت و در سال ۲۰۰۴ میلادی به‌عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی مطرح شد، لیکن جنبه‌های مختلف این قضیه و ابعاد گوناگون آن هنوز به‌طور کامل به اجرا درنیامده است. از این رو هدف اصلی این تحقیق، بررسی کردن ابعاد کلی و خصوصیات شهرهای آموزش‌دهنده در سراسر دنیا است، تا بتوان با الهام از معیارها و اصول مطرح شده، معیارها و اصولی برای طراحی شهرهای آموزش‌دهنده در ایران تدوین کرد.

۴-۲ سوالات تحقیق

۱- چگونه آموزش را می‌توان با شیوه‌های غیرمستقیم به مخاطبان و افرادی که در یک شهر حاضر می‌شوند انتقال داد؟

۲- در تجربه‌های صورت گرفته در آموزش‌های غیرمستقیم در فضاها و بخش‌های مختلف مجموعه‌های

شهری، چه موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌هایی مشاهده شده است؟

۳- مدل قابل ارائه، برای تبدیل شهر تهران به شهر آموزش‌دهنده دارای چه مشخصاتی است؟

۳-۴ روش تحقیق

روش تحقیق مورد نظر به کار رفته در این پژوهش، روش تحلیل محتواست، که در آن تجربه‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف در حوزه طراحی و تدوین محیط‌های آموزش‌دهنده، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و با استفاده از تکنیک‌های توصیفی-تحلیلی نتایج را استخراج نموده و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مطالعه تطبیقی برای شرایط و نیازهای جامعه ایرانی باز طراحی می‌شود (محمدی‌مهر، ۱۳۸۹).

۴-۴ نمونه‌های موردی

نمونه‌های موردی در تحقیق حاضر، شامل ۲۰۰ تجربه از مطالعاتی است که در حوزه طراحی شهرها و محیط‌های آموزش‌دهنده انجام گرفته است و در پایگاه‌های اطلاع رسانی مربوطه، مورد تصریح قرار گرفته‌اند. نمونه‌های اولیه شناسایی شده، نزدیک به ۴۰۰ مورد می‌باشد که ۲۰۰ نمونه مورد نظر به تصادف از میان آن‌ها انتخاب می‌شوند.

۱- ورزش و شمول اجتماعی - تجربه مکزیک

۲۰۰۸: اولین مورد از تجربه‌های بررسی شده، استفاده از امر ورزش و شمول اجتماعی برای آموزش فرهنگ صحیح زندگی به شهروندان می‌باشد. این تجربه‌ها، با ۳۳ شعار مختلف در چندین منطقه از جهان انجام گرفته است. برای مثال، در مکزیکوسیتی در کشور مکزیک در سال ۲۰۰۸ طرحی اجرا شده است که انگیزه اصلی از اجرای آن، بیماری چاقی در انواع و مراحل مختلف آن به‌عنوان عامل اصلی در گسترش بیماری‌های مزمن غیرمسری مانند دیابت یا بیماری‌های قلبی-عروقی که بیشترین عامل مرگ است می‌باشد، که به‌عنوان مسئله‌ای از بهداشت عمومی مطرح می‌شود. در این زمینه، دبیرخانه بهداشت شهر مکزیکوسیتی راهکارهایی را برای بهبود کیفیت زندگی ساکنانش ایجاد کرده است. از جمله: تصویب راهنمایی‌هایی برای تغذیه و یا انجام فعالیت‌های بدنی. بدین منظور، موسسه خدمات بهداشت عمومی اقدام به تشکیل یک کمپین با نام حرکت نمود، که شامل استراتژی‌های متمرکز در زمینه‌های مختلف است، برای تأثیر بر بیشترین میزان ممکن از مردم، خصوصاً افرادی

جدول ۱. اهداف به کار گرفته شده در حوزه ورزش و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع	هدف	مثال
ورزش.	۱- ارتقا سلامت و بهداشت عمومی. ۲- تولید ارزش‌های سالم اجتماعی و احترام به حقوق دیگران. ۳- ترویج استفاده مناسب از اوقات فراغت و فعالیت‌های سالم. ۴- آموزشی فراگیر حجم وسیعی از دانش‌آموزان بدون تبعیض. ۵- آموزش احترام به طبیعت و فضاهای عمومی به شهروندان. ۶- ایجاد اتحاد بین مهاجران از سایر مناطق و افراد بومی منطقه. ۷- همزیستی مسالمت آمیز و احترام به تنوع فرهنگی.	۱- ایجاد کمپین حرکت (مکزیک، ۲۰۰۸). ۲- ایجاد مسیرهای گردش فعال (مکزیک، ۲۰۰۴). ۳- روز دوچرخه‌سواری خانوادگی (مکزیک، ۲۰۰۷). ۴- شعار ورزش برای سالمندان (پرتغال، ۲۰۰۱). ۵- بازی و مشارکت (اسپانیا، ۲۰۰۳). ۶- مسیرهای زندگی برای سالمندان (فنلاند، ۱۹۹۹). ۷- مدارس ورزش عمومی (کلمبیا، ۲۰۰۱).

که از هیچ نوع خدمات بهداشتی برخوردار نبودند.

گوادلانجا در کشور اسپانیا، کمیته شهر اقدام به یک سری از فعالیت‌ها برای تشویق مردم به ورزش، رفاه اجتماعی و توسعه و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کرده است. مسیر گردش فعال، در طی طولانی‌ترین مسیر در پارک شهر، برای راه رفتن، دوچرخه‌سواری، اسکیت کردن، ورزش کردن، لذت بردن از شهر و پیاده‌روی‌های خانوادگی در هر یکشنبه به مدت شش ساعت و در شریان اصلی شهر اتفاق می‌افتد. هدف از این کار، تولید ارزش‌های سالم اجتماعی و احترام به حقوق دیگران، ترویج استفاده مناسب از اوقات فراغت و انجام فعالیت‌های سالم و ایجاد یک شهر سالم است که همه افراد در آن احساس خوش‌حالی کنند.

۲- اوقات فراغت آموزشی - تجربه فرانسه ۲۰۰۹: تجربه بعدی در زمینه استفاده بهینه از اوقات فراغت می‌باشد. در این راستا اقدامات مختلفی در اقصی نقاط جهان انجام شده است. یکی از این تجربه‌ها ایجاد انجمن شهر دوستان کودکان است که در شهر پریپنال فرانسه تشکیل شد. شورای شهر پریپنال هر ساله برنامه‌ای برای توسعه پویایی پروژه‌های آموزشی به منظور تحکیم موفقیت در مدارس همراه با توسعه جامع و اتحاد دانش‌آموزان تشکیل می‌دهد. در این راستا شورای شهر از UNICEF درخواست کرد تا به آن‌ها عنوان شهر دوستان کودکان را اعطا کند. هدف از این امر این است که همه مردم در مورد فعالیت‌ها و پروژه‌های شهر که در رابطه با ترویج کنوانسیون حقوق کودکان است مطالبی را بدانند. در این زمینه شورای شهر نیروهای خود را برای کمک به جوانان و انجام ابتکارات نوآورانه که هدفش بهبود زندگی در محیطی سرشار از فرصت‌های مطابق با نیاز آن‌هاست بسیج کرد.

۴- فضا برای جوانان در شهر آموزش‌دهنده - ایتالیا ۲۰۰۷: در بحث پیرامون فضا برای جوانان در یک شهر آموزش‌دهنده، در ایتالیا، با توجه به اهمیت تکنولوژی‌های جدید در زندگی افراد، یک مدرسه کامپیوتر برای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها تاسیس شده است. طریقه استفاده از کامپیوتر، اگرچه سریعاً می‌تواند توسط جوانان

جدول ۲. اهداف به‌کار گرفته شده در حوزه اوقات فراغت آموزشی و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
اوقات فراغت.	۱- آموزش و تعلیم در اوقات فراغت برای پیش‌برد آگاهی شهروندان.	۱- مرکز آموزشی- ورزشی شهرداری (پرتغال، ۲۰۰۵).
	۲- شکل‌گیری شخصیت فردی، شهروندی و اجتماعی.	۲- برنامه باشگاه مدرسه (برزیل، ۲۰۰۷).
	۳- دسترسی برابر به اطلاعات برای اطمینان از مشارکت تمامی شهروندان.	۳- فعالیت‌های فوق برنامه درسی (اسپانیا، ۱۹۹۹).
	۴- ارتقا فعالیت‌های سالمندان در دوران پیری.	۴- برنامه افسانه‌ها و داستان‌های سرزمین من (پرتغال، ۲۰۰۷).
	۵- ترویج آموزش مادام‌العمر برای توسعه فرهنگی.	۵- نگهبانان میراث (آرژانتین، ۲۰۰۳).
	۶- تقسیم تجربیات و دانش بین گذشته و حال.	۶- شهر دوستان کودکان (فرانسه، ۲۰۰۹).
	۷- افزایش رابطه بین جوانان و تاریخ و سرزمین و محیط پیرامون‌شان.	۷- جشنواره ماه کاغذی (اسپانیا، ۲۰۰۴).
	۸- تبدیل آموزش تئوری به عملی.	۸- کاروان فرهنگ (برزیل، ۲۰۰۸).
	۹- افزایش درصد مطالعه در میان افراد جامعه.	

۳- مدیریت مشارکتی فضاهای عمومی - مکزیک ۲۰۰۴: موضوع تجربه بعدی، مدیریت مشارکتی فضاهای عمومی است. در این راستا در شهر

جدول ۳. اهداف به کار گرفته شده در حوزه مدیریت مشارکتی و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
مشارکت	۱- ایجاد احساس تعلق شهروندان به شهر و به‌عهده گرفتن مسئولیت‌ها.	۱- بودجه مشارکتی در مدارس (سوئیس، ۲۰۰۱).
	۲- ترویج فعالیت‌های سالم و استفاده بهینه از اوقات فراغت.	۲- مشارکت در تحولات محلی شهر (ایتالیا، ۲۰۰۰).
	۳- ایجاد فضاهای فراگیر و ارزش‌های دموکراتیک.	۳- از اتوبوس تا پای پیاده (فرانسه، ۲۰۰۲).
	۴- مشارکت جوانان در موضوعاتی که به آن‌ها مربوط می‌شود.	۴- حیاط مدرسه محلی برای یادگیری در مورد طبیعت و توسعه حواس پنج‌گانه (ایتالیا، ۲۰۰۰).
	۵- ایجاد فضاهای جدید بر طبق اصول پایداری ارزش‌های محیطی.	۵- فضاهای باز در یک شهر آموزش‌دهنده (برزیل، ۲۰۰۵).
	۶- افزایش سطح آگاهی شهروندان در ارتباط با حقوق شهروندی.	۶- ساخت مسیر عبور عابرین پیاده از طریق بهبود شاهراه برزیل (شیلی، ۲۰۰۴).
	۷- ترویج آموزش محیطی و استفاده مشترک از فضاهای عمومی و ارتقا هم‌زیستی‌گرایی و مشارکت.	۷- احیای ساحل رود رن پروژه ساخته شده توسط مردم (فرانسه، ۲۰۰۳).
	۸- ایجاد خط فرهنگ صلح، آموزش و مشارکت در میان مدارس.	۸- پارک سالت نمونه‌ای از مدیریت مشارکتی (پرتغال، ۲۰۰۴).
	۹- حفظ میراث فرهنگی و طبیعی و سنت‌های جامعه.	
	۱۰- تحکیم تعادل‌های شهری بیشتر و یک‌پارچگی اجتماعی و ایجاد ارزش برای فضاهای عمومی.	

پروژه این امکان را ایجاد می‌کند، که نسل‌های مختلف در خیابان‌ها کنند. تمامی این امور به جوانان می‌آموزد که باهم ارتباط برقرار کنند و سالخوردگان اطلاعات پایه در افراد مفیدی برای جامعه می‌باشند و می‌توانند نقشی در مورد کامپیوتر را کسب کنند، تا زمان کمتری را صرف تردد اداره جامعه داشته باشند.

جدول ۴. اهداف به کار گرفته شده در حوزه فضا برای جوانان و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
فضا برای جوانان.	۱- القای حس مسئولیت و شخصیت در میان جوانان، تقویت روحیه اجتماعی، هنری و تفریحی و مسئولیت‌پذیری.	۱- جشن‌های شهروندی (سوئیس، ۱۹۴۲).
	۲- هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در میان مهاجران و ساکنین بومی.	۲- مدرسه کامپیوتر برای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها (ایتالیا، ۲۰۰۷).
	۳- آموزش در محیط باز و مشارکت جوانان در محیط‌های ساخته شده برای آنان برای کاهش آسیب‌های اجتماعی.	۳- مرکز فرهنگی جوانان (برزیل، ۲۰۰۵).
	۴- برقراری ارتباط بین جوانان و مسئولین و مشارکت فعال آنان در شهر.	۴- مراکز پشتیبانی جوانان (پرتغال، ۱۹۹۳).
	۵- ارتقا سلامت جامعه و بالا بردن سطح آگاهی شهروندان و بهبود کیفیت زندگی شهروندان.	۵- شورای جوانان شهرداری (برزیل، ۲۰۰۶).
	۶- پرورش حس شهروندی و احترام به شهر در میان جوانان.	۶- مدرسه موسیقی، نقاشی دیواری، هنرپیشگان و صلح (ایتالیا، ۲۰۰۵).
	۷- آموزش اصول و مکانیزم دموکراسی، آشنایی با وظایف دولت‌مردان و مجلس، بیان ایده‌های دموکراتیکی.	۷- شورای کودکان و جوانان (برزیل، ۲۰۰۶).
	۸- بهینه‌سازی و حفظ محیط زیست.	۸- رصدخانه جوانان (اسپانیا، ۲۰۰۵).
	۹- کاهش سطح بیکاری، بی‌سوادی و خشونت.	۹- شهر پایدار (پرتغال، ۲۰۰۴).
	۱۰- ایجاد عزت‌نفس، اعتماد به خود و کار گروهی.	۱۰- تالار موضوعی: هنر خیابانی و هیپ‌هاپ (برزیل، ۲۰۰۶).

۵- اقدامات شهرهای آموزش دهنده علیه نتاب تغییرات آب و هوا - آرژانتین ۲۰۰۶: به دنبال نیاز به آگاه‌سازی جوانان و کودکان مناطق روستایی، از محیط طبیعی پیرامون خود و درگیر کردن آن‌ها در این مسئله، برنامه‌ای تحت عنوان مدرسه بوم‌شناسی آرژانتین در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد. این طرح باعث می‌شد که کیفیت محیط زندگی افراد بهبود یابد. در این راستا مسئولان از تمام مدارس ابتدایی در این منطقه دیدن کردند و به آن‌ها مسائل محیطی را از طریق مصالح و فعالیت‌های آموزشی مختلف از قبیل: بازی و خیمه شب‌بازی‌های مرتبط با این موضوع، کارگاه نقاشی، داستان نویسی و بازیافت معرفی کردند. هدف از این فعالیت‌ها، آشناسازی بچه‌ها با محیط و تشویق آن‌ها به تغییر رفتارهای روزانه‌شان بر مبنای حفاظت از طبیعت و بر پایه اصول و مشارکت معلمان بود.

جوان، دانش‌آموزان و مدارس خصوصی شهر سائوپائولو کمک گرفته شد. این برنامه در طی هشت سال گذشته در آزمایش‌گاه‌های آموزشی- اجتماعی گسترش داده شد. این برنامه طراحی شد تا از یک‌سو پاسخ‌گوی نیاز به یک‌پارچه‌سازی دیجیتال و به‌روز رسانی اطلاعات افراد مسن باشد و از سوی دیگر پل ارتباطی باشد در میان جوانان و افراد مسن‌تر. در حقیقت، این برنامه برای تغییر زمینه تبعیض سنی در جامعه ایجاد شد. در این میان جوانان مسئولیت‌پذیرتر شدند و ارتباط عمیق و مؤثرتری با سالخوردگان ایجاد کردند و دیدگاه‌شان در مورد دوران پیری تغییر پیدا کرد. از سوی دیگر استفاده از کامپیوتر و اینترنت، زندگی روزانه سالمندان را مطابق با شرایط روز بهبود داد و منابع ارتباطی آن‌ها را متنوع‌تر کرد و موجب کاهش بسیاری از مسافرت‌های درون‌شهری برای

جدول ۵. اهداف به‌کار گرفته شده در حوزه اقدامات اقلیمی و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
تغییرات اقلیمی.	۱- توجه به محیط‌زیست و ایجاد فرهنگ توسعه پایدار.	۱- علم و تکنولوژی، انرژی و محیط (پرتغال، ۲۰۰۳).
	۲- کاهش ترافیک شهری و آلودگی‌های هوایی و صوتی ایجاد شهرهای ایمن در دسترس کودکان.	۲- نمایش‌گاه زمین (فرانسه، ۲۰۰۷).
	۳- ارتقا سلامت، بهداشت جسمی- روانی و امنیت اقتصادی شهروندان.	۳- صرفه‌جویی در مصرف آب شهر-۱۰۰۰۰۰ تعهد (اسپانیا، ۱۹۹۷).
	۴- حفاظت از محیط‌زیست و حفاظت ثروت‌های طبیعی.	۴- اتوبوس عابر پیاده (ایتالیا، ۲۰۰۶).
	۵- آموزش فرهنگ شهروندی.	۵- برنامه باغبانی درمانی (پرتغال، ۲۰۰۲).
	۶- تقویت مدیریت شهری و مناسبات مشترک اجتماعی و زیست‌محیطی.	۶- ایجاد شبکه مدارس با انرژی خورشیدی در پامپلونا (اسپانیا، ۲۰۰۱).
	۷- آموزش فرهنگ بازیافت به شهروندان.	۷- توسعه پایدار و علمی (فرانسه، ۲۰۰۵).
	۸- کشف استعدادها و فعالیت‌های ابتکاری شهروندان.	۸- برنامه آموزشی محیطی (اکوادور، ۲۰۰۵).
	۹- صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر و اصلاح دائمی الگوی مصرف جامعه.	۹- بازیافت در فروشگاه‌های عمومی (اسپانیا، ۱۹۹۷).
	۱۰- توسعه و انسجام سیستم‌های مدیریتی الکترونیکی شهری.	

۶- فراگیری اجتماعی فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای همه - برزیل ۱۹۹۹: با گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و فراگیر شدن آن در جامعه، کارگاه کامپیوتری تحت عنوان OLDNET برای سالخوردگان در برزیل تشکیل شد. هدف از این کارگاه، آموزش طریقه استفاده از کامپیوتر و جستجو در اینترنت برای افراد مسن بود. در این راستا از داوطلبان

انجام امور روزمره شد و همچنین باعث دسترسی مردم به گذشته و تجارب هم‌دیگر شد.

۷- مهاجرت، فرصت‌ها و چالش‌ها - اسپانیا ۲۰۰۸: پیرامون برنامه مهاجرت، فرصت‌ها و چالش‌ها در یکی از شهرهای اسپانیا برنامه‌ای تحت عنوان شهری که در آن زندگی می‌کنم برگزار شد. این تجربه شامل

جدول ۶. اهداف به کار گرفته شده در حوزه فن آوری اطلاعات و ارتباطات و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
فن آوری اطلاعات و ارتباطات.	۱- دسترسی همه گروه‌های سنی جامعه به کامپیوتر و اینترنت و ایجاد نزدیکی بیشتر در میان آن‌ها.	۱- کتابخانه‌های شخصی کتابخانه‌ای برای همه (ایتالیا، ۱۹۹۶).
	۲- غنی‌سازی آموزشی و ارتقا نقش برجسته کودکان و جوانان از طریق رسانه.	۲- اتوبوس و اینترنت (فنلاند، ۲۰۰۰).
	۳- ایجاد مشارکت بین شهروندان و ترویج کار گروهی.	۳- امواج رادیویی (برزیل، ۲۰۰۱).
	۴- ارتقا استقلال و ارتباط شفاهی و ارتقا سطح آموزش.	۴- تشویق به استفاده از تکنولوژی‌های جدید در میان افراد مسن (سوئیس، ۲۰۰۰).
	۵- مدیریت الکترونیکی اطلاعات شهری برای ارتقا راه‌کارهای طراحی شهری، آموزش سیاست‌های شهروندی.	۵- شهر دیجیتالی برای همه (برزیل، ۲۰۰۵).
	۶- دیجیتال کردن بازیافت زباله‌ها.	۶- یک میلیون نگاه (آرژانتین، ۲۰۰۶).
	۷- ایجاد شغل برای جوانان و کاهش سطح بیکاری.	۷- پورتا ۲۲ جایی برای مشاغل جدید (اسپانیا، ۲۰۰۳).
	۸- مدیریت اوقات فراغت جوانان و استحکام روابط انسانی.	۸- بانک اطلاعات (فنلاند، ۲۰۰۱).
	۹- راهی برای سازمان‌دهی و ارائه اطلاعات تخصصی به مهاجران.	۹- فضاهای چندرسانه‌ای در کتابخانه بارسلونا (اسپانیا، ۲۰۰۵).
	۱۰- توسعه پایدار و ارتقا پروژه‌های آموزشی- اجتماعی و ایجاد منابع آموزشی- فرهنگی.	۱۰- فروشگاه رویاها (پرتغال، ۲۰۰۴).

جدول ۷. اهداف به کار گرفته شده در حوزه مهاجرت و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
مهاجرت	۱- ایجاد هم‌بستگی و مشارکت میان مهاجران و ساکنین سرزمین میزبان.	۱- شهری که در آن زندگی می‌کنم (اسپانیا، ۲۰۰۸).
	۲- بالا بردن آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی مهاجران.	۲- مرکز ملی حمایت از مهاجران (پرتغال، ۲۰۰۴).
	۳- برخورداری مهاجران از آموزش، سلامت، کار و سیاست.	۳- پروژه به فضاهای آموزشی خوش آمدید (اسپانیا، ۲۰۰۸).
	۴- ترویج حق آزادی فرهنگی و دینی و تشویق به هم‌بستگی اجتماعی.	۴- مجمع ادیان شهرداری (اسپانیا، ۲۰۰۵).
	۵- آموزش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌مندانه.	۵- هم‌زیستی در جوامع محله (اسپانیا، ۲۰۰۹).
	۶- ارتقا سلامت عمومی جامعه.	۶- کلاس‌های درس همسایگی (اسپانیا، ۲۰۰۷).
	۷- تشویق زنان مهاجر به مشارکت و کارایی برای آنان.	۷- ادغام اجتماعی مهاجران (اسپانیا، ۲۰۰۸).
	۸- ایجاد مشارکت و اتحاد خانواده‌های با سوابق مختلف، هم‌زیستی میان سنین و فرهنگ‌های مختلف.	۸- کارگاه آشپزی بین‌المللی (اسپانیا، ۲۰۰۸).
	۹- کاهش سطح تبعیض اجتماعی.	۹- ملاقات‌های میان فرهنگی (اسپانیا، ۲۰۰۹).
	۱۰- قدردانی از میراث فرهنگی و تاریخی گذشتگان مهاجران.	۱۰- اطلاعات کامل، خدمات پذیرش و مشاوره‌ای برای مهاجران (اسپانیا، ۲۰۰۶).

توسعه استراتژی ادغام دانش‌آموزان مهاجر جدید است. در این راستا، یک کارگاه سمعی و بصری زبان، مطابق با نیازهای خاص زبانی دانش‌آموزان تشکیل شده است. شرکت‌کنندگان در تور شهر، مجهز به تجهیزات ضبط صوتی و تصویری هستند. دانش‌آموزان، توضیحات پیرامون فضاهای شهر را که به آن‌ها داده شده است را ثبت می‌کنند و هم‌زمان توضیح می‌دهند که چه کسی هستند و از کجا آمده‌اند. این امر ارتقا دانش آن‌ها از محیط زیست را از طریق تجربه عملی و شخصی برای آن‌ها تسهیل می‌کند.

۸- هم‌زیستی، مشارکت و صلح - جمهوری کره
۲۰۰۱: بنیاد خاطرات ۱۸ می، یک موسسه غیرانتفاعی که برای قربانیان مبارزه علیه دیکتاتوری نظامی ۱۹۸۰ فعالیت می‌کرد، در ۳۰ آگوست ۱۹۹۴ برای بزرگداشت روح دموکراسی با هدف ترویج اتحاد صلح‌آمیز در کره

جدول ۸. اهداف به کار گرفته شده در حوزه همزیستی و مشارکت و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
همزیستی صلح‌آمیز.	۱- ارتقا ارزش‌های دموکراتیک در جهان و دفاع از صلح و حقوق بشر.	۱- خدمات میانجی‌گرانه شهرداری (اسپانیا، ۲۰۰۸).
	۲- بهبود کیفیت آموزش و تبدیل آموزش تئوری به آموزش عملی.	۲- انجمن بین‌المللی صلح گوانگجو (جمهوری کره، ۱۹۹۹).
	۳- ایجاد مشارکت میان گروه‌های و کشورهای مختلف.	۳- باغ گل‌کاری (ایتالیا، ۲۰۰۷).
	۴- پرورش استعداد‌های شخصی و اجتماعی در میان جوانان.	۴- خانه سنت‌اتین در کاتوویس (لهستان، ۱۹۹۸).
	۵- کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز.	۵- روز والدین، نقش خانواده و مدارس در آموزش جوانان (ایتالیا، ۲۰۰۶).
	۶- افزایش سطح آگاهی شهروندان و تبادلات فرهنگی.	۶- برنامه‌های شبکه صلح (برزیل، ۲۰۰۱).
	۷- توسعه احساس تعلق به مکان و تبدیل فضاهای بدون استفاده به فضاهای با کاربری جدید و مفید.	۷- آزمایش‌گاه اجتماعی جامعه در جستجوی فرهنگ، صلح و عدالت (کلمبیا، ۲۰۰۴).
	۸- سامان‌دهی اوقات فراغت جوانان و تقویت کار گروهی در میان آن‌ها.	۸- کمیته حمایت از حقوق کودکان و جوانان در ایالت هاسکو (شیلی، ۲۰۰۵).
	۹- آگاه‌سازی مردم از تنوع‌های فرهنگی موجود در شهر و آموزش احترام به هویت هر فرد بر اساس جنسیت، خاستگاه فرهنگی و مذهبی.	
	۱۰- تسهیل مهاجرت افراد زیر سن قانونی.	

و کمک به پیش‌رفت صلح و حقوق بشر در جهان با همکاری NGO های ملی و بین‌المللی و جنبش‌های فعال در دموکراسی و حقوق بشر ایجاد شد. برنامه تبادل روش‌های بین‌المللی شامل دو فعالیت اساسی است: ۱- مردم در فعالیت‌های بین‌المللی: آموزش یازده فعالیت در ۱۰ ماه در رابطه با اصول جنبش دموکراسی ۱۸ می. ۲- ارسال کارورز به سایر کشورها (۶۱ نفر به ۱۴ کشور) برای انجام امور داوطلبانه. در میان این فعالیت‌ها کمپین‌های مختلفی سازمان‌دهی شدند جهت مقابله با نقض حقوق بشر و حفاظت از اقلیت‌های قومی. تمرکز آموزشی این تجربه این است که مردم از اهمیت حقوق بشر آگاه شوند و حقوق همه مردم بازسازی و تقویت شود.

۹- **یادگیری مادام‌العمر - برزیل ۲۰۰۶:** در راستای تحقق این هدف، در برزیل برنامه‌ای تحت عنوان زندگی و مدرسه جهانی اجرا شد. با توجه به وضعیت فعلی در برزیل که شامل مبارزه با فقر و نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد، لازم است که هرکسی به‌دنبال راه‌چاره‌ای برای

جدول ۹. اهداف به کار گرفته شده در حوزه یادگیری مادام‌العمر و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
یادگیری مادام‌العمر.	۱- ارتقا آموزش حرفه‌ای و تحصیلی کارمندان دولت.	۱- پروژه D.A.R تبدیل هنر (پرتغال، ۲۰۰۱).
	۲- سامان‌دهی اوقات فراغت جوانان.	۲- پروژه آموزش بزرگسالان در شورای شهر لیسبون (پرتغال، ۲۰۰۲).
	۳- مشارکت اجتماعی.	۳- کشف عملکردهای شناختی در سالمندان (برزیل، ۲۰۰۲).
	۴- فراگیری دیجیتالی و آشنایی با فن‌آوری‌های اطلاعاتی.	۴- کارگاه حقوق بشر برای زنان (مکزیک، ۲۰۰۶).
	۵- ارتقا سطح دانش، تولیدات و درآمد اقشار مختلف جامعه.	۵- برنامه چشم‌انداز (لهستان، ۲۰۰۶).
	۶- بهبود سطح کیفیت سلامت کودکان، جوانان و سالمندان.	۶- توسعه کلاس درس دانشگاهی برای سالمندان (اسپانیا، ۲۰۰۶).
	۷- آموزش قوانین راهنمایی و رانندگی و کاهش میزان تصادفات.	۷- نمایشگاه فرش (برزیل، ۲۰۰۰).
	۸- ایجاد فرهنگ برابری زن و مرد.	۸- دانشگاه ثابت (فرانسه، ۲۰۰۷).
	۹- ایجاد سیاست‌های توسعه پایدار و احترام به محیط زیست.	

ایجاد چشم‌اندازی جدید برای آینده جوانان باشد. در همین زمینه، برنامه مدرسه جهانی و زندگی، آموزش‌های حرفه‌ای برای افراد کم درآمد و در خطر آسیب‌های اجتماعی ایجاد کرد، تا آن‌ها بتوانند شانس پیوستن به بازار کار و ادغام در جامعه را داشته باشند. این مدرسه دوره کارآموزی صنعتی برای کارمندان دستیار که شامل ۸۰۰ ساعت آموزش دانش‌آموزان کم درآمد بین ۱۸- ۱۴ ساله سیستم آموزش شهرداری بود ارائه کرد. این فعالیت‌ها بر آموزش ابتدایی کارگران و جوانان کم درآمد با آسیب‌پذیری اجتماعی در راستای آموزش مادام‌العمر و چهار رکن دانش (یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زندگی اجتماعی و یادگیری برای بودن) است. فعالیت‌های آموزشی در کلاس درس، با کارآموزی حرفه‌ای در محیط کار واقعی همراه با فراهم آوردن فرصت استخدام برای کارآموزان جوان، مطابق با قانون کار برزیل تکمیل می‌شود.

۱۱- پرورش سلامت - اسپانیا ۲۰۰۹: در ایتالیا،

کمیته‌ای برای انجام دادن تمرینات فیزیکی و ورزشی برای شهروندان در تمامی گروه‌های سنی در محله‌های شهر و مراکز جمعیتی حومه شهر ایجاد شد. دلایل متعددی سبب ایجاد این پروژه شد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، فاصله مراکز جمعیتی و محله‌های مختلف از مرکز شهر بود و این یعنی این که، مردم نمی‌توانند به دلیل سخت بودن دسترسی به محل اجرای فعالیت‌ها در شهرداری مرکز شهر، در اوقات فراغت‌شان ورزش کنند. دلیل دیگر این بود که مردم از اوقات فراغت‌شان برای مبارزه با بی‌تحركی استفاده کنند. این ابتکار به‌طور ذاتی وظیفه اجتماعی مهمی را به انجام رساند و باعث شد مردم به‌جای درگیر شدن با مسائل روزمره، خانه‌هایشان را ترک کنند و از حالت افسردگی خارج شوند و باعث بهبود روابط شخصی و

۱۰- اقدام علیه نژادپرستی و بیگانه‌هراسی - سوئیس ۲۰۰۵: این پروژه از طرف سازمان صلیب سرخ سوئیس و توسط واحد اقدامات اجتماعی شهر جنوا مطرح شد؛ و تلاشی است برای ایجاد اتحاد در میان کودکان تازه مهاجر از سایر کشورها و کودکان بومی در کلاس اول مدارس ابتدایی با کمک معلمان و یک نفر به

جدول ۱۰. اهداف به‌کار گرفته شده در حوزه مبارزه با نژادپرستی و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
مبارزه با نژادپرستی.	۱- ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و اجتماعی به مهاجران و آشناسازی ساکنان بومی با فرهنگ آن‌ها.	۱- امکانات دیداری- شنیداری وسیله‌ای برای هم‌بستگی اجتماعی (ایتالیا، ۲۰۰۳).
	۲- آشنایی مهاجران با شهر و تحکیم هم‌بستگی‌های اجتماعی.	۲- کارگاه‌های چند فرهنگی (سنگال، ۱۹۹۹).
	۳- تضمین احترام به حقوق بشر، مدارا و هم‌بستگی اجتماعی.	۳- گروه ابتکارات برای هماهنگی در شهر (فرانسه، ۲۰۰۳).
	۴- ترویج فرهنگ صلح میان فرهنگ‌های مختلف.	۴- راهنمایی مدنی و هم‌زیستی (اسپانیا، ۲۰۰۳).
	۵- تشویق آزادی مذاهب و عقاید و انتشار واقعیت‌های دینی و هم‌زیستی مسالمت آمیز.	۵- پروژه عضویت (فنلاند، ۲۰۰۴).
	۶- ایجاد یک شهر چند فرهنگی، تمرکز بر فرهنگ بومی و احترام به تفاوت فرهنگ‌ها.	۶- مرکز اسناد و آزمایشگاه برای آموزش میان فرهنگی (ایتالیا، ۱۹۹۱).
	۷- مشارکت گروه‌های مهاجر به‌ویژه زنان در فعالیت‌ها ۸- نگهداری و حفاظت از میراث‌های فرهنگی.	۷- تکثیر قومی در مدارس (برزیل، ۱۹۹۴).
		۸- محله‌های دنیا در بارسلونا (اسپانیا، ۲۰۰۳).

جدول ۱۱. اهداف به کار گرفته شده در حوزه سلامت و تجربه‌های تحلیل شده، ماخذ: نگارندگان.

موضوع.	هدف.	مثال.
سلامت.	۱- ارتقا و بهبود شیوه زندگی شهروندان و کمک به بهبود سلامت عمومی کودکان به شکل اقتصادی و موثر.	۱- آموزش پرستاران رسمی و غیررسمی برای مراقبت از افراد با زوال عقلی (پرتغال، ۲۰۰۹).
	۲- تقویت ارتباط میان مادران و کودکان و ارتقا آگاهی‌های بهداشتی.	۲- لبخند در زندگی بدون کرم خوردگی دندان (فرانسه، ۲۰۰۰).
	۳- افزایش ایمنی افراد جامعه.	۳- زندگی سالم (آرژانتین، ۲۰۱۰).
	۴- ایجاد مشارکت و برخوردهای سالم میان گروه‌های مختلف شهروندی.	۴- پروژه می‌دانید چگونه نه بگویید (پرتغال، ۲۰۰۶).
	۵- ترویج عادات و اصول یک زندگی سالم.	۵- برنامه آموزشی تغذیه سن مدرسه (اسپانیا، ۲۰۰۹).
	۶- بهره‌مندی جوانان از تجارب سالمندان و تحکیم روابط میان آن‌ها.	۶- آموزش دوچرخه‌سواری به کودکان و (فرانسه، ۲۰۰۸).
	۷- توسعه مهارت‌های شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان.	۷- توسعه همه‌جانبه خانوادگی در محله شما (مکزیک، ۲۰۰۹).

اجتماعی شود. زیرا کار مشارکتی بر خودمحموری ارجحیت داده می‌شود. این فعالیت‌ها یک‌سری از بازی‌های سستی را به منظور تقویت و حفاظت بخش مهمی از میراث‌های فرهنگی پیشنهاد کرد. که از طریق آن‌ها نسل جدید در مورد فرهنگ و افراد مسن نکاتی را فرا می‌گیرند و از خاطرات بازی‌های دوران کودکی سالمندان لذت می‌برند. این بازی‌ها شامل افراد معلول نیز می‌شود در نتیجه طیف وسیع‌تری از مردم و اشخاص ویژه را شامل می‌شود. از بررسی تجارب انجام شده و تحلیل معیارهای مربوطه، جداولی (۱۴-۱۲) به شرح زیر تهیه گردیده است که شامل چندین موضوع اساسی در زمینه شهرهای آموزش‌دهنده می‌باشند. اولین موضوع مهم در تحلیل‌های صورت گرفته، متوسط تأمین معیارهای محیط آموزش‌دهنده است. براین اساس، مهم‌ترین معیارهای شناسایی شده در حوزه محیط‌های آموزش‌دهنده (جداول شماره ۱۱-۱) در هر یک از پروژه‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. در مرحله بعد، تعداد تأمین معیارها در هر پروژه علامت‌گذاری شد و در نهایت عدد به دست آمده در هر پروژه با نمونه‌های دیگر که در آن قاره قرار دارند، معدل‌گیری شده در محل مربوطه درج گردید. به عنوان مثال عدد ۷/۶۵ نشان می‌دهد که؛ متوسط تأمین معیارهای هشت‌گانه در تجربه‌های صورت گرفته در قاره آمریکا برابر با ۷/۶۵ می‌باشد، به عبارت دیگر تقریباً هر هشت عامل در تجربه‌های صورت گرفته در قاره آمریکا مورد توجه بودند.

معیارهای چهارگانه مدیریتی شامل معیارهایی هستند که برای اداره شهرهای آموزش‌دهنده مورد توجه مدیران است. این معیارها عبارتند از: ۱- مشارکت شهروندی ۲- مدیریت و راهبری درست ۳- احترام به حقوق دیگر شهروندان ۴- حساسیت نسبت به محیط. درصد فعالیت NGOها بیانگر آن است که در هر یک از پروژه‌ها تا چه اندازه گروه‌های مردم‌نهاد مشارکت داشتند. شاخص‌های مدیریت واحد شهری به این معناست که؛ طرح‌های اجرا شده تا چه اندازه با ساختارهای کلی مدیریت شهری هماهنگ بوده‌اند. در هر تجربه بر اساس شواهد موجود، امتیازی به آن تجربه بر اساس تأمین شاخص‌های مدیریت واحد شهری داده شده است و برآیند آن‌ها در جدول درج شده است. درصد تمرکز به این معناست که تا چه اندازه شهرداری‌ها شخصاً پروژه‌ها را به اجرا رسانده‌اند و یا تا چه اندازه آن‌ها را برون‌سپاری کرده‌اند. از بررسی مجموع ۲۰۰ تجربه انجام شده در کشورهای گوناگون چهار قاره مختلف جهان، در زمینه شهرهای آموزش‌دهنده یازده معیار اصلی در زمینه‌های مختلف که تأثیر اساسی بر زندگی افراد جامعه دارند حاصل شده است. رعایت این اصول، در احداث شهرها باعث انتقال فرهنگ‌های صحیح زندگی به شهروندان می‌شود. این یازده معیار اساسی عبارتند از: ۱- ورزش و شمول اجتماعی ۲- سامان‌دهی اوقات فراغت ۳- مدیریت مشارکتی فضاهای آموزشی ۴- فضا برای جوانان در شهر

جدول ۱۲. تحلیل موضوع‌های اساسی در ۲۰۰ نمونه بررسی شده، ماخذ: نگارندگان.

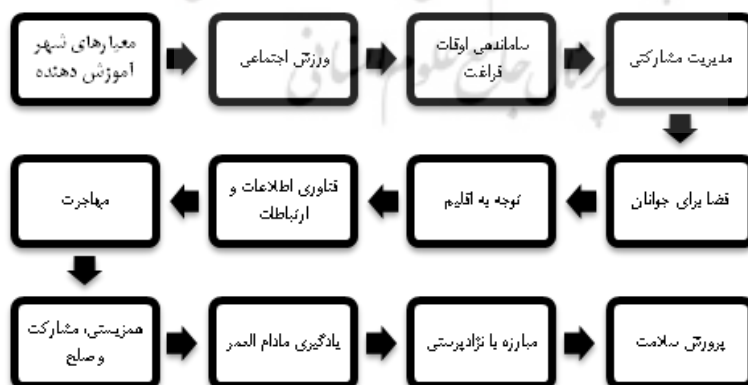
ردیف	نام قاره	متوسط تأمین معیارهای هشت‌گانه	چهارگانه مدیریتی	متوسط درصد فعالیت‌ها NGO	تأمین شاخص‌های مدیریت واحد شهری
۱	آمریکا	۷/۶۵	۳/۸۶	۸۵	۷۲
۲	اروپا	۶/۲۳	۳/۲۷	۷۹	۶۹
۳	آسیا و اقیانوسیه	۵/۸۴	۲/۹۵	۷۴	۶۱
۴	آفریقا	۴/۲۱	۲/۴۳	۶۲	۴۴

جدول ۱۳. سهم تمرکز برنامه‌های آموزشی در ۲۰۰ نمونه بررسی شده، ماخذ: نگارندگان.

ردیف	نام قاره	درصد تمرکز برنامه‌های آموزشی در حیطه اجرایی	درصد برون‌سپاری
۱	آمریکا	۳۸	۶۲
۲	اروپا	۳۶	۶۴
۳	آسیا و اقیانوسیه	۴۷	۵۳
۴	آفریقا	۸۳	۱۷

جدول ۱۴. سهم آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در ۲۰۰ نمونه بررسی شده، ماخذ: نگارندگان.

ردیف	نام قاره	آموزش مستقیم	آموزش غیرمستقیم	مجموع آموزش‌ها
۱	آمریکا	۶۹	۳۱	۱۰۰
۲	اروپا	۶۲	۳۸	۱۰۰
۳	آسیا و اقیانوسیه	۷۶	۲۴	۱۰۰
۴	آفریقا	۸۳	۱۷	۱۰۰



نمودار ۶. معیارهای شهرهای آموزش دهنده در دنیا، ماخذ: نگارندگان.

آموزش‌دهنده ۵- اقدام علیه شتاب تغییرات آب و هوا
۶- فراگیری اجتماعی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ۷-
فرصت‌ها و چالش‌های مهاجرت ۸- هم‌زیستی، مشارکت
و صلح ۹- یادگیری مادام‌العمر ۱۰- اقدام علیه نژادپرستی
و بیگانه‌هراسی ۱۱- پرورش سلامت. در صورت احراز
تمامی این اصول می‌توان امید داشت که شهر مورد نظر
یک شهر آموزش‌دهنده است و ارزش‌ها و فرهنگ‌های
جامعه در این شهر به راحتی به شهروندان انتقال پیدا
می‌کند.

۶- اصول و معیارهای طراحی شهر آموزش‌دهنده در تهران

بر اساس مطالعات صورت گرفته پیرامون تجربه‌های
جهانی شهر آموزش‌دهنده و تجزیه و تحلیل اطلاعات
حاصل از آن‌ها، و با توجه به شرایط و وضعیت موجود شهر
تهران، و برنامه‌های مورد نظر شهرداری تهران، پیرامون
مهارت‌های شهروندی، در این بخش به ارائه اصول،
معیارها و شاخص‌هایی برای تبدیل شدن تهران به یک
شهر آموزش‌دهنده پیشنهاد می‌گردد.

۶-۱ آموزش مهارت‌های شهروندی در تهران

در زمینه مهارت‌های مورد نیاز شهروندی که می‌تواند
آموزش داده شود نظرات و برنامه‌های متعددی بیان شده
و موارد چندی به‌عنوان مهارت‌های مورد نیاز شهروندی
ذکر گردیده است. در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه
کشور اهدافی ذکر گردیده است که در آن‌ها تأکید خاصی
بر شهروندی شده است. کمیت برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-
۱۳۶۸)، مبتنی بر ده هدف کلیدی است که جهت‌گیری
محوری اهداف برنامه اول در کل، با مؤلفه‌های اصلی
شهروندی اجتماعی و رفاه، نسبتاً هم‌خوانی دارد. برنامه
دوم و سوم توسعه نیز بر اهداف مشابهی استوار است،
با این تفاوت که در برخی اهداف تصریحاً مشارکت
سیاسی- اجتماعی پررنگ‌تر شده است. برنامه دوم توسعه
به‌نظر می‌رسد که از شهروندی رفاه، به‌سمت شهروندی
سیاسی، به‌معنای مورد نظر دولت یعنی کمک به دولت
جهت انجام بهتر وظایف خود سوق داده شده است. در
قالب بخش سوم برنامه چهارم توسعه، با عنوان توسعه

سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی جهت‌گیری
خود را به‌سمت تحقق الزامات و نیازهای شهروندی
رفاه و شهروندی اجتماعی معطوف داشته است (صرافی،
عبداللهی، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۲). مزده وزیری (۱۳۸۵) شانزده
مهارت را به‌عنوان مهارت‌های مورد نیاز شهروندی بیان
کرده‌اند که عبارتند از:

- ۱- مهارت حل مسئله؛ ۲- مهارت تصمیم‌گیری؛ ۳-
روابط موثر اجتماعی؛ ۴- مهارت هم‌دلی؛ ۵- مهارت
مقابله با هیجان و استرس؛ ۶- به‌کار بردن بهداشت؛
۷- مهارت خودآگاهی؛ ۸- تفکر انتقادی؛ ۹- تفکر خلاق؛
۱۰- شهروند مسئول بودن؛ ۱۱- شهروند جهانی بودن؛
۱۲- مهارت‌های حرفه‌ای؛ ۱۳- مهارت‌های اداره زندگی؛
۱۴- مهارت فن‌آوری اطلاعات؛ ۱۵- مهارت به‌کار بردن
نکات ایمنی؛ و ۱۶- مهارت‌های والدینی.

حسین لطف‌آبادی (۱۳۸۵) مهارت‌های هشت‌گانه دیگری
را برای زندگی شهروندی بیان کرده‌اند که عبارتند از:
۱- شناخت زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی،
ملی و دینی در کشور ۲- سلامت جسمی و بهداشت
فردی و زیست محیطی ۳- نظم، قانون‌مداری و رعایت
عدالت ۴- مناسبات سالم اجتماعی، هم‌دلی، هم‌دردی و
کمک‌رسانی ۵- مهارت‌های شغلی ۶- داشتن شناخت
صحیح از خود و انتخاب شیوه زندگی بر اساس توانایی‌ها
و استعدادها ۷- تفکر درست ۸- سلامت و تعادل دستگاه
روانی و حل تعارض‌های زیان‌بخش در زندگی درونی و
بیرونی.

بر اساس مهارت‌های بیان شده در بالا و شرایط موجود
در شهر تهران، در مجموع هشت مهارت مورد نیاز برای
آموزش به شهروندان تهرانی، در جهت تحقق هدف اصلی
پژوهش، یعنی ایجاد شهر آموزش‌دهنده در شهر تهران را
پیشنهاد کردیم، که عبارتند از:

۱. **مهارت‌های مورد نیاز در خانه:** که شامل: ۱-
مصرف بی‌رویه آب و انرژی ۲- نحوه مناسب نگهداری
مواد غذایی ۳- الگوی صحیح تغذیه ۴- بازیافت مواد
بازیافتنی می‌باشد.
۲. **مهارت‌های ارتقای هویت:** که این مهارت‌ها
شامل: ۱- پیشینه تاریخی و هویت محله خود ۲-

آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

۳. مبارزه با آلودگی هوا و ارتقا سلامت: از آن جمله می‌توان به: ۱- آلودگی هوا و نحوه کاهش آن ۲- آلودگی صوتی و نحوه کاهش آن ۳- نحوه مقابله با برف و باران ۴- مبارزه با حیوانات موذی ۵- هزینه و مشکلات عدم‌رعایت بهداشت در اماکن عمومی ۶- سایر آلودگی‌های زیست محیطی ۶- آشنایی با نحوه مقابله با ناهنجاری‌های شهری ۷- نگهداری و دفع صحیح زباله، اشاره کرد.

۴. استفاده از حمل و نقل عمومی: این مهارت دربرگیرنده: ۱- تبعات استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ۲- آشنایی با علائم راهنمایی و رانندگی ۳- حقوق عابرین و وسایط نقلیه نسبت به هم ۴- محدوده طرح ترافیک و زوج و فرد ۵- آشنایی با نحوه نگهداری خودرو ۶- نزدیک‌ترین پارکینگ عمومی به محل سکونت

یا کار است.

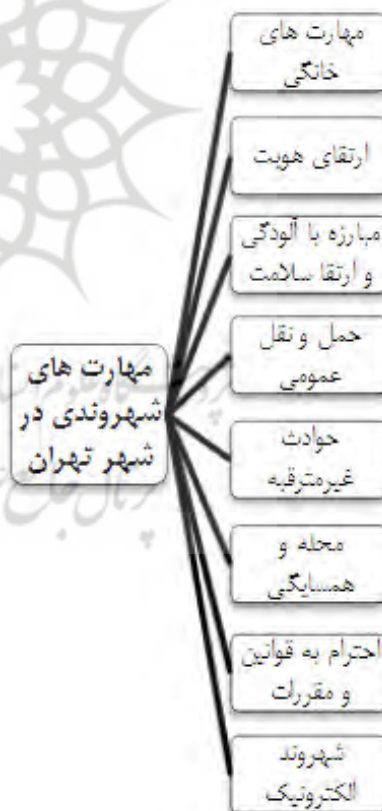
۵. آمادگی برای حوادث غیرمترقبه: از جمله: ۱- مقابله با حوادث غیر مترقبه ۲- کمک‌های اولیه. **۶. مهارت‌های محله و همسایگی:** این مهارت‌ها ۱- حقوق و تکالیف ساکنین آپارتمان‌ها و همسایگان نسبت به هم ۲- روش‌های مختلف زیباسازی محله را در خود جای می‌دهند.

۷. احترام به قوانین و مقررات: از جمله: ۱- حقوق متقابل شهروند و شهرداری ۲- وظایف متقابل شورای شهر و شهردار ۳- بافت فرسوده و مزایای نوسازی این بافت‌ها ۴- پروژه‌های عمرانی شهر تهران و محله خود ۵- محل هزینه درآمد شهرداری از عوارض نوسازی ۶- آشنایی با ساختار آموزش‌های شهروندی ۷- وظایف شورایی‌ها ۸- خدمات مرکز کارآفرینی شهر تهران ۹- مجوزهای مورد نیاز برای تعمیرات کلی، جزئی و بازسازی.

۸. مهارت شهروند الکترونیک: که ۱- مفهوم شهرداری الکترونیک و خدمات الکترونیک شهرداری تهران ۲- آشنایی با سامانه‌های اطلاع‌رسانی را دربر می‌گیرد.

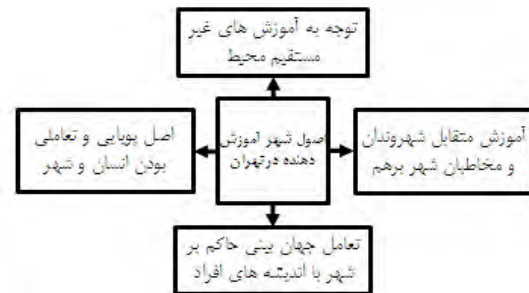
۶-۲ اصول شهر آموزش دهنده در تهران

اصل اول: توجه به آموزش‌های غیرمستقیم محیط: محیط به‌عنوان یکی از عواملی تأثیرگذار بر زندگی فرد، مجموعه‌ای از آموزش‌ها را به وی منتقل می‌کند و این آموزش‌ها، در حقیقت القا کننده فرهنگ‌های مختلف مورد نیاز زندگی روزانه بشر می‌باشند. از این رو یکی از اساسی‌ترین اصل‌ها در طراحی تهران به‌عنوان شهر آموزش دهنده، توجه به آموزش‌های غیرمستقیم محیطی و تبدیل این سیگنال‌ها به فرم‌هایی می‌باشد که علاوه بر قابل اجرا بودن تأثیرها اساسی در آموزش فرهنگ‌ها و هنجارهای مورد نیاز جوامع بشری داشته باشد. در صورت توجه به آموزش‌های غیرمستقیم محیطی و داشتن توانایی تبدیل آن‌ها به فرم‌های تأثیرگذار می‌توان روح و فرهنگ یک زندگی ایده‌آل و مطابق با ارزش‌های جامعه را به شهروندان انتقال داد.



نمودار ۷. مهارت‌های شهروندی مورد نیاز پیشنهادی در شهر تهران، ماخذ: نگارندگان.

اصل دوم: آموزش متقابل شهروندان و مخاطبان شهر بر هم: بر اساس اصل اول ذکر شده در فوق، محیط آداب، رسوم، ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی و اجتماعی خاصی را به انسان منتقل می‌کند. با توجه به این که تأثیر محیط بر انسان، متأثر از وضع روحی انسان در زمان ادراک محیط، عوامل موروثی و زمینه‌های فرهنگی وی است، این تأثیر بر انسان‌های مختلف متفاوت می‌باشد و هرکس به میزان توانایی‌های خود از یک شهر، فرهنگی را می‌آموزد که به قدر مسلم متفاوت با برداشت‌های سایرین می‌باشد. از این رو هرکس می‌تواند برداشتی که از شهر داشته است را به دیگر شهروندان منتقل کند. در نتیجه باید به این امر توجه داشت که زمینه‌ای فراهم گردد که افراد بتوانند برداشت‌ها و یافته‌های خود از شهر را با هم به اشتراک گذاشته و از هم تأثیر بپذیرند.



نمودار ۸. اصول مورد نیاز شهر آموزش‌دهنده در تهران،

۳-۶ معیارهای شهر آموزش‌دهنده در تهران

با توجه به بررسی تجربیات انجام شده و مطالعات صورت گرفته، این نتیجه حاصل شد که شهرها به‌عنوان یکی از محیط‌های اصلی که فرد ساعات زیادی از دوران زندگی خود را در آن سپری می‌کند و آموزش‌های زیادی را در این محیط فرا می‌گیرند، می‌توانند تأثیر زیادی در انتقال و تعلیم فرهنگ‌های مثبت یا منفی در فرد داشته باشند. در رابطه با آموزش‌های انتقال داده شده توسط شهرها، مجموعه‌ای از معیارهای اساسی که تأثیر مستقیمی بر بهبود و ارتقا سطح زندگی شهروندان دارد استخراج شده است که با توجه به آموزش‌های مهارت‌های شهروندی موجود در سطح شهر تهران، هر یک از معیارهای یازده‌گانه فوق در قالب‌های جدیدی قابل دسته‌بندی می‌باشند.

۱- شهروند الکترونیک: تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات تحولات گسترده‌ای در تمامی عرصه‌های جامعه بشری به دنبال داشته است که میزان پیشرفت یک جامعه به میزان دسترسی و آشنایی صحیح شهروندان با این دانش بستگی دارد. این عامل نقش تعیین‌کننده‌ای در آموزش اصول صحیح فرهنگی- اجتماعی به شهروندان دارد.

۲- ایجاد فضاهای ارتباطی مطلوب شهری: دسترسی راحت و مناسب برای همه استفاده‌کنندگان،

اصل سوم: تعامل جهان‌بینی حاکم بر شهر با اندیشه‌های افراد: شهر، مکانی است که بخش عظیمی از فعالیت‌های مربوط به زندگی انسان در آن جریان دارد و بسیاری از این رفتارها، در تماس با محیط و فضاهای شهری تغییر پیدا کرده و شکلی جدید به خود می‌گیرد، که زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو شهر و اصول و جهان‌بینی‌های حاکم بر آن، رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستگی با زندگی انسان دارد. خلاقیت فرد از باورها و اعتقاداتش شکل می‌گیرد و فضایی می‌آفریند که دربرگیرنده این اصول باشد. در نتیجه، جهان‌بینی فرد در طراحی‌اش نمایان می‌شود. از سوی دیگر این فضاها اصولی را به انسان می‌آموزند که زندگی‌اش را سامان می‌بخشند. بنابراین اصول حاکم بر شهر و اندیشه‌های فرد در تعامل مستقیم با هم قرار دارند و یکدیگر را شکل می‌دهند.

اصل چهارم: اصل پویایی و تعاملی بودن انسان و شهر: خلق فضاهای شهری بدون در نظر گرفتن خصوصیات افرادی که در آن فعالیت می‌کنند تقریباً امری غیرممکن تلقی می‌شود. تقابل شهر و انسان با هم و رشد متوازن آن‌ها در فرآیند خدمت به نیازهای انسانی و برآورده کردن توقعات آن و ایجاد آرامش وی در بنا در دنیای امروزه یکی از ملزومات می‌باشد. در حقیقت یکی از آرمان‌های

اجتماعی و ارتقای تعامل خواهد شد. ارتباط و آشنایی میان نسل‌ها در زمان حضور انسان‌ها در عرصه‌های گروهی و فضاهای مشترک، موجب شکل‌گیری نوعی تعامل میان آن‌ها می‌شود که نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها میان افراد و گسترش میدان آموزش‌های شهروندی می‌شود.

۵- سلامت و ایمنی: رعایت این اصل در جامعه موجب ایمنی و سلامت در به مقصد رسیدن، حفظ استانداردهای محیط فیزیکی و کم‌ترین ریسک در تداخل وسایط نقلیه با عابرین پیاده می‌شود. تأمین این معیار به معنی احساس ایمنی برای حضور در فضا، پیشگیری فعال از وقوع جرم، زمینه مناسب برای کار و فعالیت و احساس عدالت اجتماعی در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری است. حفظ ایمنی به شیوه‌های غیرمستقیم با توسعه حضور شهروندان در محیط جایگاه ویژه‌ای دارد.

۶- هویت اسلامی و ایرانی: تأکید بر باورهای اسلامی و ایرانی، توجه هنجارهای منبعث از فرهنگ اسلامی و ایرانی، تأکید بر نماد و نشانه‌های هویتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی از دستاوردهای بسیار مهم این معیار است. هویت ایرانی اسلامی در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به‌صورتی که در بسیاری از موارد شهروندان، رضایت و عدم‌رضایت خود را از محیط به کاربرد آن منوط می‌دانند، هرچند نتوانند آن را به زبان آورده، یا مطرح سازند، هویت ایرانی - اسلامی عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری را آشانت‌ر نشان می‌دهد.

هماهنگی سیستم‌های حمل و نقل با امکانات و ظرفیت‌ها، تأکید بر پیاده، امکانات جابه‌جایی مطمئن مردم و برای رسیدن به خدمات مورد نیاز، باید این معیار در جامعه و شهر تأمین شود. هراندازه دسترسی به محیط کامل‌تر باشد، محیط برای آموزش شهروندان مناسب‌تر خواهد بود.

۳- توجه به اقلیم و فضاهای سبز: وجود عرصه‌ها و فضاهای سرسبز، حضور گیاهان در فضاها و عرصه‌های مختلف شهری و حفظ تنوع گیاهی در نتیجه توجه به این معیار حاصل می‌شود. طبیعت می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در آموزش‌های محیطی ظاهر شود. محیط‌ها تا اندازه‌ای که با طبیعت هماهنگ‌اند، توسط مردم دوست‌داشتنی‌تر ارزیابی می‌شوند. این معیار سبب هویت‌بخشی به محیط فیزیکی، دل‌پذیر بودن پیاده‌راه‌ها، تأکید بر جنبه‌های مثبت زندگی و کاربرد صحیح مبلمان شهری می‌شود.

۴- تأکید بر محله و توسعه تعامل فرهنگی و اجتماعی: اجرای این معیار سبب توسعه روابط میان مردم، تأکید بر کالاهای داخلی به جای کالاهای لوکس خارجی، افزایش آشنایی مردم با یکدیگر خواهد شد. روابط محله‌ای می‌تواند از مطالعه سطح و کیفیت تعامل شهروندان با یکدیگر تشخیص داده شود. وجود این معیار در شهر سبب تشویق جمع‌گرایی و حضور در جمع، افزایش میزان حضور در محله و دیگر عرصه‌های عمومی، تأکید بر تعامل میان گروه‌های مختلف فرهنگی و



نمودار ۹. معیارهای شهر آموزش‌دهنده در تهران، ماخذ: نگارندگان.

جدول ۱۵. معیارها و شاخص‌های طراحی شهر آموزش‌دهنده در شهر تهران، ماخذ: نگارندگان.

معیارها	۱	شهروند الکترونیک	۲	سلامت و ایمنی	۳	توجه به اقلیم و فضاهای سبز
تعریف	۱- تشکیل جوامع اطلاعاتی ۲- خلق فضای مجازی		۱- ایمنی و سلامت در به مقصد رسید. ۲- حفظ استانداردهای محیط فیزیکی		۱- هویت‌بخشی به محیط فیزیکی ۲- دل‌پذیر بودن پیاده‌راه‌ها.	
شاخص‌ها	۱	آموزش مناسب به زنان، کودکان و سالمندان	۱	ایمنی در ساختار پیاده‌راه‌ها	۱	هارمونی و هماهنگی گیاهان در فضاهای شهری
	۲	برقراری ارتباط میان نسل‌ها	۲	جمع‌آوری صحیح زباله از محیط.	۲	میلان مناسب (برای خیابان و غیره)
	۳	افزایش امکانات	۳	جمع‌آوری فاضلاب و آب‌های سطحی	۳	هماهنگی با اقلیم و آب و هوا
	۴	آمار میزان سطح سواد جامعه	۴	بهداشت عمومی محیط	۴	بهداشت عمومی محیط و بوی خوش
	۵	دید کافی نسبت به جامعه جهانی	۵	تغذیه سالم	۵	ترویج کالاهای دوست‌دار محیط زیست
	۶	ارتباط سازمان‌های مربوطه	۶	زندگی سالم با تشویق تحرک	۶	توجه به بازیافت و مواد بازیافت‌شده
	۷	احساس پیشرفت	۷	ایمنی فعالیت‌های جمعی	۷	کاربرد نماهای آشنا و چشم‌نواز
معیارها	۴ فضاهای ارتباطی شهری		۶ توسعه روابط محلی و تعامل فرهنگی اجتماعی		۸ هویت اسلامی و ایرانی	
تعریف	۱- دسترسی راحت و مناسب برای همه استفاده‌کنندگان ۲- هماهنگی سیستم‌های حمل و نقل با امکانات و ظرفیت‌ها ۳- تاکید بر پیاده ۴- امکانات جابه‌جایی مطمئن مردم برای رسیدن به خدمات مورد		۱- توسعه روابط میان مردم ۲- تشویق جمع‌گرایی و حضور در جمع ۳- افزایش میزان حضور در محله و دیگر عرصه‌های عمومی ۴- ارتقای تعامل، ارتباط و آشنایی میان نسل‌ها		۱- تاکید بر باورها اسلامی و ایرانی ۲- توجه هنجارهای منبعث از فرهنگ اسلامی و ایرانی ۳- تاکید بر نماد و نشانه‌های هویتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی	
شاخص‌ها	۱	خوانایی دسترسی‌ها	۱	وجود مرکز محله طراحی شده	۱	حضور نمادهای اسلامی و ایرانی
	۲	دسترسی به مترو	۲	امکان اجرای آیین‌های ملی و مذهبی	۲	ارجاع خاطره‌های فرهنگی
	۳	دسترسی به اتوبوس تندرو	۳	وجود عناصر فرهنگی	۳	آرامش و هماهنگی محیطی
	۴	دسترسی به تاکسی درون‌شهری	۴	عدم حضور عناصر با مقیاس بزرگ	۴	پیرایش محیط از عناصر زائد
	۵	پیاده‌راه‌واری مسیرها	۵	قرار گرفتن خدمات عمومی و بهداشتی	۵	تناسب میان کالبد و کاربری‌ها
	۶	عدم مزاحمت‌های خیابانی	۶	تاکید بر مشاغل محلی و بومی	۶	تشویق رفتارهای هماهنگ با فرهنگ اسلامی ایران توسط محیط
	۷	امکان بازی کودکان و نوجوانان	۷	خرده‌فروشی و نیازمندی‌های روزمره		

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۱ بهار و تابستان ۹۲
No.31 Spring & Summer

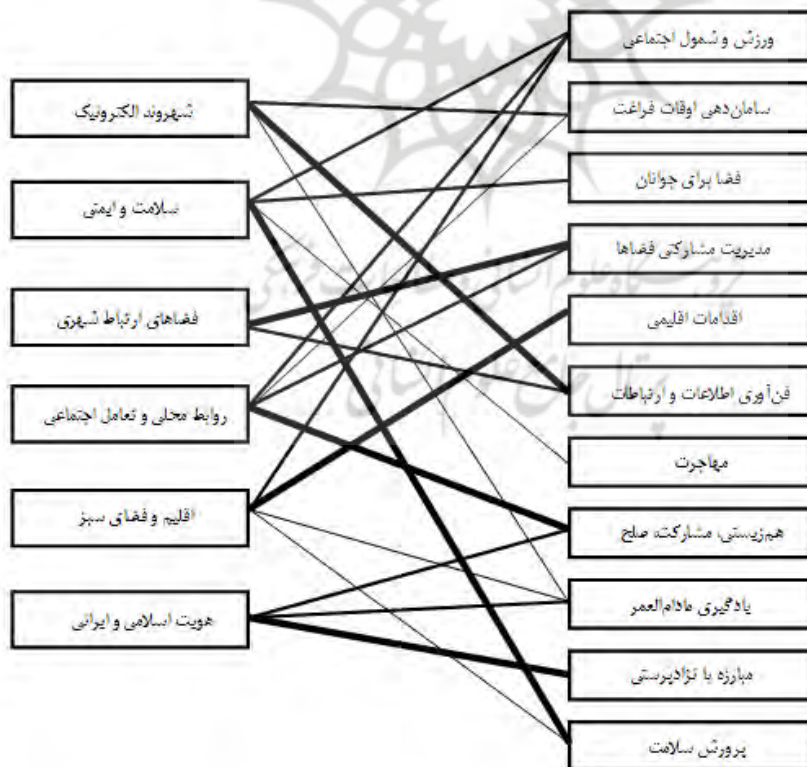
۱۰۳

۷- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

امروزه بیشتر از هر زمان دیگری، شهرها تبدیل به محیط‌هایی برای آموزش ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و معیارهای جامعه شده‌اند. در این راستا شهر ایرانی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای تاریخ، نباید از این امر مستثنی واقع شود. به‌عبارت دیگر، شهرهایی که ساخته می‌شوند و مجموعه فعالیت‌های بشری در آن‌ها صورت تحقق می‌پذیرد نیز باید طوری طراحی و خلق شوند که فضایی باشند برای آموزش اصول اساسی و حیاتی زندگی به شهروندان. از آنجایی که شهر با فضاهای شهری ساخته و تعریف می‌شود، اصولی که می‌توانند نقش تعلیمی در محیط‌های شهری داشته باشند می‌توانند این نقش را در شهرها نیز اجرا کنند. با مرور و مطالعه تجربه‌های جهانی در زمینه شهرهای آموزش‌دهنده، چهار اصل اساسی برای تبدیل شهر تهران به شهر آموزش‌دهنده به‌دست آمد که عبارتند از: توجه به آموزش‌های غیرمستقیم محیط،

آموزش متقابل شهروندان و مخاطبان شهر بر هم، تعامل جهان‌بینی حاکم بر شهر با اندیشه‌های افراد، اصل پویایی و تعاملی بودن انسان و شهر. این اصول همگی قابلیت کاربرد در ایران را داشته و می‌توانند در اجرای شهرهای آموزش‌دهنده به‌عنوان یک اصل کلی به‌کار گرفته شوند. براساس اصول بیان شده، می‌توان چارچوب‌های لازم برای هدایت برنامه‌های مدیریت شهری در حوزه شهر آموزش‌دهنده را برنامه‌ریزی نمود.

تمامی معیارهای آموزشی که از بررسی تجربیات صورت گرفته در سطح چهار قاره به‌دست آمده‌اند، قابلیت کاربرد در سطح شهر تهران را دارا نمی‌باشند. از میان تمام معیارهای شناسایی شده، معیارهای متناسب با شهر تهران، در قالب شش معیار اصلی، جمع‌بندی شده‌اند. این معیارها به سبب ویژگی‌های فراگیر خود، با شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران سازگاری قابل قبولی دارند. در نمودار مربوط (نمودار شماره ۹)، همه این عوامل بیان شده‌اند. تمامی این معیارهای شش‌گانه در صورت



نمودار ۱۰. مطابقت معیارهای جهانی با معیارهای شهر تهران، ماخذ: نگارندگان.

کاربرد صحیح‌شان در طراحی شهری، می‌توانند یک شهر آموزش‌دهنده ایجاد کنند و محرکی باشند برای حرکت رو به جلوی شهرهای معاصر ایران. شهر تهران نیز می‌تواند بر اساس چنین الگویی به شهری آموزش‌دهنده تبدیل شود. استخراج معیارهای شش‌گانه بیان شده براساس نیازهای واقعی شهر تهران، این فرصت را ایجاد می‌کند که مدل‌های جهانی شهرهای آموزش‌دهنده، بتواند به شکل بومی شده، در شهر تهران به اجرا درآید. معیارهای شش‌گانه استخراج شده و شاخص‌های مربوط، ابزاری هستند که براساس آن می‌توان مدل عملیاتی مورد نیاز برای تبدیل شهر تهران به یک شهر آموزش‌دهنده را برنامه‌ریزی کرده و به اجرا درآورد.

منابع

۱. احمدی، پروین، (۱۳۸۸). برنامه‌درسی میان رشته‌ای، فصل‌نامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، (۳)، ۹۷-۱۲۶.
۲. بمانیان، محمدرضا، پورجعفر، محمدرضا، محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۸). ارائه مدل پیشنهادی جهت پیاده‌سازی گردشگری الکترونیک در طرح‌های توسعه گردشگری روستایی (بررسی تطبیقی و ارائه مدل پیشنهادی با توجه به شرایط معاصر ایران)، مدیریت شهری، ۲۳، ۷۱-۸۸.
۳. زرشناس، لادن، مؤمنی دانایی، شهلا، عشاق، مرتضی، امیدخدا، مریم، (۱۳۹۰)، کدام متد تدریس بهتر است؟ مشارکتی یا سخنرانی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، (۱)، ۳۱-۲۴.
۴. سیف، علی‌اکبر، (۱۳۸۷). روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، چاپ ششم، انتشارات دوران، تهران.
۵. سیف، علی‌اکبر، (۱۳۸۱). روان‌شناسی پرورشی (یادگیری و آموزش)، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.
۶. شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۷. صرافی، مظفر، عبداللهی، مجید، (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۳،

- ۱۳۴-۱۱۵. ۸. عسکریان، مصطفی، (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروند، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، (۵)، ۱۶۲-۱۳۳.
۹. قائدی، یحیی، (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، (۵)، ۱۶۲-۱۳۳.
۱۰. لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، (۵)، ۱۶۲-۱۳۳.
۱۱. محمدی مهر، غلام‌رضا، (۱۳۸۷). روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، نشر دانش‌نگار، تهران.
۱۲. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۴). آفرینشگری و روند آموزش خلاقانه در طراحی معماری، هنرهای زیبا، ۲۱، ۵۷-۶۶.
۱۳. وزیر، مژده، جهانی، شیدا، مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستان‌های زلزله‌زده شهر بم، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، (۵)، ۱۶۲-۱۳۳.

14. Mahdavinejad, Mohammadjavad, Moradchelleh, Abdolbaghi (2011). Problematic Tendencies of The Development of T Architectural Sciences: Culture Research Aspect, Middle East Journal of Scientific Research, 10(6): 677-682.
15. Mahdavinejad, Mohammadjavad, Masoome Amini, (2011). Public participation for sustainable urban planning In Case of Iran, Procedia Engineering, 21, 405-413.
16. Garcia, Soledad, (1996). Cities and Citizenship, Blackwell Publisher, Cambridge, USA.
17. http://www.bcn.es/edcities/aice/estaticas/angles/sec_educating.html
18. <http://w10.bcn.es/APPS/>

edubidce/pubTemesAc.

do?idtem=301&pubididi=3

19. <http://atce.com/show.asp?id=890>

20. [http://eco.isu.ac.ir/intro/programs.](http://eco.isu.ac.ir/intro/programs.htm)

htm



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۱ بهار و تابستان ۹۲

No.31 Spring & Summer

۱۰۶